

## امکان رجوع عاقله بعد از پرداخت دیه به مرتکب یا زیان دیده

صمد مسیب‌زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۵  
تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۱۶

### چکیده:

نهاد عاقله در حقوق اسلام از جایگاه ویژه و فلسفی خاصی هم برخوردار می‌باشد، در اثر عدم حاکمیت اسلام در طول تاریخ، این مقوله جایش در کتب مربوط فقهی و به صورت تئوری بود که بعد از انقلاب اسلامی ایران، سعی در پیاده کردن احکام الهی برآمده و نهاد عاقله را به عنوان یک نهاد حقوقی مورد توجه قرار داده و احکام آن تصویب شد. با این تحقیق بر آن هستیم که آیا نهاد عاقله در حقوق ایران با توجه به واقعیت‌های امروزی، قابل اجرا هست و در نهایت فردی که به عنوان عاقله واقع می‌شود می‌تواند به فرد ضرر زنده رجوع کرده و خسارات پرداختی را مطالبه نماید یا خیر آنچه که بر آمد این تحقیق است در وضعیت حقوقی ایران، عاقله به عنوان مشارکت قدرت عمومی جامعه است و مبنای آن کنترل غیر رسمی اجتماعی است و در آن اصل شخصی بودن زیر پا گذاشته نشده است، چرا که در صورت اعسار عاقله، بیت‌المال پرداخت کننده است و به مثابه بیمه عمل می‌کند و با قوانین مشابه همچون عقد ضمان و عقد بیمه دارای مشابهت‌های لازم است که با پیشرفت حقوقی جامعه می‌توان به قاطعیت رجوع عاقله پس از پرداخت دیه به فرد مسئول و و خسارت زنده، حکم داد.

**واژگان کلیدی:** عاقله، احکام اسلامی، ضمان، بیت‌المال، رجوع به خسارت زنده.

۱. فوق لیسانس حقوق جزا و جرم‌شناسی، ایمیل: ۶۸mosayebzade@gmail.com

### مقدمه

مباحث مربوط به عاقله به عنوان یک نهاد حقوقی ویژه، مسبوق به قوانین اسلامی است، با توجه به این که یکی از نکات مهم در قوانین و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها آن است که قابلیت اجرایی داشته باشند و یکی از عناصر تشکیل دهنده این مفهوم عبارت از پذیرش آن دستورالعمل توسط مخاطبان اجتماعی می‌باشد.

اکثر فقها، مسئول دانستن عاقله را در پرداخت دیه جنایت خطایی پذیرفته اند، همچنین موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در بردارنده احکام مربوط به ضمان عاقله است. در این تحقیق بر آن هستیم که بگوئیم آیا «ضمان عاقله» در زمان و مکان فعلی و شرایط جوامع امروزی قابل اجرا هست یا خیر؟ به عبارت بهتر، «زمان عاقله» گذشته است و جایی برای بحث ضمان عاقله باقی نخواهد ماند، همچنان که امروزه از مباحث فقهی عبد و امه، مکاتبه، استیلا، ام ولد و... سخن نمی‌گوئیم و منتفی شده اند و در عوض از موضوعات روز و مبتلا به همچون قواعد اجرایی و حقوقی فروش اعضاء و پیوند آن، سلولهای بنیادی، مرگ مغزی، حق حاکمیت فکری و صنعتی و... از «زمان و مکان» و مصلحت و موضوع حکم باید در هر مورد سخن گفت و با وضعیت فعلی آیا پس از پرداخت دیه توسط عاقله می‌توان به مباحث شبیه بیمه و عقد ضمان استناد کرده و حق رجوع به فرد خسارت زنده و مرتکب جرم قائل شد؟ اینک می‌توانیم از موضوع مورد بحث به تفصیل سخن بگوئیم و همراه با شواهد تاریخی و قانونی راهکار جدیدی برای به روز رسانی ضمان عاقله به تبیین بپردازیم.

### تعاریف و مفاهیم:

تعریف ضمان در فقه و حقوق فاصله زیادی ندارد و فقها آن را به معنای التزام به پرداخت مالی که در ذمه دیگری است می‌دانند که با قید مال، کفالت که به معنای تعهد بر احضار نفس دیگری است خارج می‌شود. (وجدانی فخر، ۱۳۴۰، ص ۲۶۰) به اعتبار سبب، ضمان به عقدی و قهری منقسم است.

عاقله از ماده «عقل» گرفته شده است و در لغت به معنای بستن و محکم کردن است، به همین دلیل به ریسمانی که برای بستن است، عقل گویند و از این رو به خویشاوندان جانی هم عاقله گفته می‌شود که با عقل، شتران را به (عنوان دیه) به خانه ولی مجنی علیه می‌بردند می‌بستند (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۴۲۷) شهید ثانی در این مورد می‌نویسد: «به این دلیل به آنان عاقله می‌گویند که با پرداخت دیه به اولیاء مقتول، زبان آنان را می‌بندند و از هر گونه تعرض باز می‌دارند». (شهید ثانی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۷)

### ضمان عاقله در عصر عرب:

قبل از ظهور اسلام، بافت زندگی اجتماعی ساکنان جزیره العرب مبتنی بر نظام قبیله‌ای بود. به واسطه وجود تعصبات قومی و قبیله‌ای در این نظام، چنان آمیختگی از نظر زندگی بین افراد

آن برقرار بود که سبب می‌شد آن‌ها همواره هم صدا و هماهنگ با یکدیگر در جنگ و صلح عمل کنند. (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ ه.ق، ص ۲۲۰)

در جامعه آن روز عرب، قوم، مسئولیت هر جرمی را که در گستره‌ی آن گروه واقع می‌شد و جانی ناشناخته بود یا به حاکم تسلیم نمی‌شد به عهده داشت. معنای این قانون این بود که در تعقیب مجرمین برای این که قصاص شوند، همه گروه سهیم هستند و اگر جانی قصاص نمی‌شد مسئولیت ضرری که از فعل جانی حاصل شده بود بر عهده جماعت بود. اگر قتلی در جایی واقع می‌شد و قاتل شناخته نبود یا به حاکم تسلیم نمی‌شد، حاکم به اهل منطقه چهار روز فرصت می‌داد تا قاتل را پیدا و او را تسلیم کنند. اگر تسلیم نمی‌کردند محصولات آن قوم یا اموالشان مصادره و در خزانه‌ی حکومت یا معبد به رهن می‌ماند تا حکم حاکم یا کسی که در آن قضیه به عنوان حاکم تعیین شده است، صادر شود.

تعصبات قوم و قبیله مقتول، موجب تنفر عمومی آن‌ها نسبت به جانی و بستگان او می‌شد که ممکن بود آنها را وادار به اقداماتی علیه جانی یا بستگان او کند؛ که علاوه بر خروج از عدالت سبب بروز یک فتنه اجتماعی در جامعه و حتی چه بسا قتل‌های عمدی و کشمکش‌های زنجیره‌ای گردد که جبران آن ممکن نباشد.

اینجا بود که حاکم الهی با حکمت و تدبیر بر اساس اختیارات حکومتی خود، با وضع قانون ضمان عاقله چند فایده از جمله حمایت از اولیاء مقتول، حمایت از قاتل، حمایت از جامعه و حمایت از نظم و انضباط اجتماعی و جلوگیری از وقوع فتنه ناشی از تعصبات قومی را به جامعه اسلامی عرضه داشت.

### نظرات مخالفان و موافقان:

این پرسش‌ها مطرح است که آیا پیوند شخص امروزی با عاقله‌ی خود، همان پیوند کهن دیروزی جامعه عرب است؟ آیا به اصطلاح «موضوع حکم» همان است که پیش از اسلام یا حتی در جوامع صدر اسلام بوده است؟ می‌توان پرسید آیا جامعه کنونی آمادگی پذیرش قانون عاقله را دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت این نهاد قبل از اسلام وجود داشت و یکی از مکارم اخلاق به حساب می‌آمد و پیامبر (ص) آن را تأیید فرمود؛ (ابی بکر، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۱۹۴) حال در حقوق کنونی عده‌ای طرفدار مطلق و عده‌ای منتقد مطلق این نهاد حقوقی هستند. به نحوی که طبق نظر برخی، باید این نهاد را از چهره‌ی قوانین زود و طبق نظر برخی، باید مانند حکمی تبعیدی آن را پذیرفت. مسئولیت عاقله اختصاص به جامعه‌ای دارد که نظام قبیله‌ای بر آن حاکم باشد. بنابراین در جامعه‌ی ما که چنین نظامی وجود ندارد و وابستگی حقوقی منتفی است، نمی‌توان بستگان جانی را مسئول پرداخت دیه دانست. چنانچه در مسأله، دچار شک گردیم و ندانیم که آیا چنین حکمی اختصاص به نظام قبیله‌ای داشته و یا اختصاص به چنین نظامی ندارد، مقتضای اصل عدم مسئولیت در صورت شک در مسئولیت این است که هیچ یک از بستگان جانی چنین مسئولیتی نداشته باشند. نکته‌ی دیگر آن که از روایات وارد شده در این باب، مسئولیت عاقله به طور مطلق به

دست نمی‌آید زیرا عاقله انصراف لفظی به موردی دارد که همبستگی‌های عشیره‌ای بین افراد در پرداخت دیه وجود داشته است و این انصراف از باب وجود قدر متیقن در مقام تخاطب نیست تا اشکال کنند که وجود چنین قدر متیقنی مانع از تمسک به اطلاق نمی‌باشد؛ بلکه از باب انصراف لفظی و ظهور لفظ عاقله در زمان صدور روایات به مورد مذکور می‌باشد. اگر بر فرض در چنین ظهوری شک داشته باشیم لفظ عاقله مجمل می‌گردد و با اجمال موضوع لازم است در حکم مخالف با اصل به قدر متیقن اکتفا نموده و در غیر قدر متیقن با اجمال خطاب و عدم اطلاق در آن نسبت به غیر قدر متیقن، به اصل برائت استناد نماییم. به هر حال دلیل معتبری بر مسئولیت عاقله در جامعه‌ی ما وجود ندارد و اجماع اصحاب در چنین مواردی معتبر نیست. زیرا این اجماع یک مدرکی است. (مرعشی شوشتری، همان، ص ۲۲۲).

دلایل مشروعیت ضمان عاقله در آیات قرآن دلیل و شاهده‌ی که به صراحت به حکم مذکور دلالت کند وجود ندارد، ادعای اجماع بر حکم ضمان عاقله نیز به دلیل «مدرکی بودن»<sup>۱</sup> مورد قبول واقع نمی‌شود لذا بهترین دلیل این حکم سنت است که فقط به یک روایت اشاره می‌شود؛ «دعائم الاسلام از امام جعفر صادق (ع) از پدرش از جدش از امیر المؤمنین (ع) روایت کرده که فرمودند: دو مردی که باهم بر خورد می‌کنند و دو نفر آنها یا یکی از آنها بمیرد یا عضوی از آنها قطع شود یا جراحی بر آنها وارد شود، اگر از روی عمد باشد در آنچه که قصاص می‌شود، قصاص جاری می‌کنند و در آنچه موجب دیه است جانی دیه را می‌پردازد و اگر صدمه خطایی باشد دیه بر عهده عاقله آنهاست». (محدث نوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ۳۲۶).

دیه نه صرفاً مجازات است و نه جبران خسارت و نه ترکیبی از مجازات و جبران خسارت و نه تلفیقی از این دو؛ بلکه دیه یک نوع تعویض شرعی و حکم شرعی و امضایی می‌باشد بنابر این در شرایط و نحوه پرداخت آن باید به حکم شارع رجوع کرد. همچنین با توجه به تعریفی که احمد ادریس از دیه کرده‌اند (احمد ادریس، ۱۳۷۲، ص ۳۰ و ۳۴۸) و ایراداتی که به دیدگاه‌های دیگر وارد آورده‌اند به نظر می‌رسد ایشان هم دیه را یک حکم شرعی تلقی کرده‌اند. از جمله ثمرات این دیدگاه این است که در عین این که می‌توان وجه دیه را به واسطه تشریح شارع مطالبه نمود می‌توان کلیه خسارات متعارف وارده را که به سبب این جنایت حادث شده نیز از باب قواعدی چون قاعده لا ضرر، اتلاف، تسبیب و سیره عقلاء مورد مطالبه قرار داد.

با توجه به توضیحات فوق و نتیجه‌گیری که انجام شد می‌توان گفت چون ماهیت دیه مجازات نیست، در نتیجه ضمان عاقله در پرداخت دیه موضوعاً از تحت قاعده کلی «شخصی بودن مجازات» خارج است و ربطی بدان ندارد تا درصد توجیه آن برآییم.

۱. گاهی از کتاب تا سنت دلیلی برای اثبات حکم مسأله‌ای وجود دارد و در نتیجه همه فقها بر آن حکم اتفاق نظر پیدا می‌کنند و به اصطلاح اجماع تحقق می‌یابد این نوع اجماع، مدرکی است و نمی‌توان این نوع اجماع را دلیل مستقل از ادله دیگر دانست.

### دلایل قائلین به قابل اجرا بودن ضمان عاقله در زمان حاضر

۱. گروهی ضمان عاقله را یکی از اقسام بیمه به شمار می‌آورند.
۲. گروهی عاقله و مسئولیت خویشاوندی رامبتنی بر تقصیر ناشی از عدم مراقبت و مواظبت می‌دانند.
۳. گروهی عاقله را نوعی تعاون بین خویشاوندان می‌دانند.
۴. گروهی دیگر با اشاره به جاودانی بودن دین مبین اسلام و احکام آن، تغییر و تحول در احکام و تخطی از آنها را تحت عنوان هیچ دلیلی قبول ندارند.

### دلایل قائلین به غیرقابل اجرا بودن ضمان عاقله در حال حاضر

این گروه ضمان عاقله را یک تشریح موقت و مربوط به صدر اسلام دانسته‌اند. عمده دلیلشان آن است که از آنجایی که این حکم مربوط به ساختار زندگی قبیله‌ای و ارتباط تنگاتنگ افراد با یکدیگر است در دوره ما که گسترش فرهنگ شهر نشینی و زندگی صنعتی باعث کم شدن ارتباط خانوادگی شده است، قابل اعمال و اجرا نیست.

آیت‌الله مرعشی با اعتقاد به اینکه ماهیت دیه اساساً جزایی نبوده بلکه ماهیتی مدنی دارد می‌نویسد: «عاقله در دوران جاهلیت خود را مسئول پرداخت دیه می‌دانسته است و شارع مقدس اسلام، چنین کسانی را که به اختیار خویش، خود را مسئول دیه می‌دانند، مسئول می‌شناسد، نه اینکه آنان را ابتدا به عنوان مجازات مسئول پرداخت دیه شناخته باشد... با توجه به این مطلب، مسئولیت عاقله اختصاص به جامعه‌ای دارد که نظام قبیله‌ای بر آن حاکم باشد؛ بنابراین در جامعه ما که چنین نظامی وجود ندارد و وابستگی حقوقی منتفی است، نمی‌توان بستگان جانی را مسئول پرداخت دیه دانست. چنانچه در مسأله شک کردیم و و ندانیم که آیا چنین حکمی اختصاص به نظام قبیله‌ای داشته و یا اختصاص به چنین نظامی ندارد، مقتضای اصل عدم مسئولیت در صورت شک در مسئولیت، این است که هیچ یک از بستگان جانی چنین مسئولیتی نداشته باشند.» (ص ۲۲۱).

ایشان در پاسخ بدین اشکال که گشودن چنین بایی در احکام اسلامی بدون آنکه دلیل متقنی برایش داشته باشیم منجر به آن خواهد شد تا سخن کسانی که اسلام را نه یک دین الهی بلکه دین زاییده‌ی محیط آن روز عرب می‌دانند به اثبات برسد، می‌نویسد: «باید گفت که هر حکمی تابع وجود موضوع خود در خارج می‌باشد و عاقله که در روایات، موضوع حکم واقع گردیده است به شخص یا اشخاصی اطلاق می‌شوند که عهده دار پرداخت دیه شده اند و در هر مورد که چنین موضوعی محقق گردد، حکم آن نیز بر موضوع بار میشود و اختصاص به مردم حجاز نداشته، منافاتی با احکام خالد و جاوید اسلام نیز نخواهد داشت؛ زیرا ما نمی‌گوییم عاقله فقط در حجاز مسئولیت دارد و در زمانی خاص، بلکه ما می‌گوییم عاقله فقط در حجاز مسئولیت دارد و در زمانی خاص، بلکه ما می‌گوییم عاقله در هر جای دنیا که وجود داشته باشد مسئول است. درست مثل این است که بگوییم رقبه‌ی مؤمنه در هر زمانی آزاد گردد، هر چند رقبه‌ای وجود نداشته باشد.»

(همان، ص ۲۲۳).

موسوی بجنوردی نیز مسئولیت عاقله را تابع عرف حاکم بر جامعه می‌داند. ایشان مسأله را از بُعد تاریخی بررسی نموده و به این نتیجه می‌رسند که مسئولیت عاقله به موجب عرف حاکم قبل از اسلام و مقارن ظهور اسلام بوده است: «چنانچه مسأله را از نظر تاریخی بررسی کنیم، در می‌یابیم که قبل از اسلام در بین اعراب جاهلی و میان سایر ملت‌ها عرف قبیله‌ای حاکم بوده است... در هریک از جوامع که عرف قبیله‌ای حکومت می‌کند و قبایل و عشایر با همان پیمان می‌بندند تا در مواردی که یکی از افراد مرتکب جنایت موجب دیه گردد، تمامی افراد قبیله (عصبه و عاقله) عهده دار دیه شوند، این حکم در همان جوامع ثابت است؛ اما در جوامعی که عرف قبیله‌ای حاکم نیست و افراد قبیله و عشیره متفرقند و هیچ گونه ارتباط نزدیکی میان آنها نیست، صرف پسر عمو بودن دو نفر باهم، موجب نمی‌شود که ما ملتزم به مفهوم عاقله بشویم و بگوییم آن‌ها مسئول پرداخت دیه هستند، زیرا اصلاً قرار داد و پیمانی با هم ندارند.» (موسوی، بجنوردی، ۱۳۸۳، ص ۴۸۴).

نویسنده «التشريع الجنائي الاسلامی» در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «همانا قاعده اصلی و اساسی در شریعت، حفظ و صیانت از خون و ممانعت از هدر رفتن آن است. اگر کل دیه فقط بر فرد جانی تحمیل شود و از ادای آن عاجز باشد، خون مجنی علیه هدر می‌رود و این خروج از قاعده کلی (پرداخت دیه توسط جانی) و روی آوردن به استثناء، واجب است تا بدین وسیله خون دیگری هدر نرود. در واقع این مهم‌ترین دلیلی است که موجب خروج از قاعده کلی می‌گردد و شاید این استثناء، تنها استثناء قاعده «لاتزر وازره ووزر اخری» یا «اصل شخصی بودن مجازات‌ها» باشد که شریعت اسلام به دلیل تحقق مساوات و عدالت آن را پذیرفته است. وی در پاسخ به این سؤال که آیا ضمان عاقله در زمان حاضر قابل اجراست یا خیر می‌گویند: علی‌رغم آنکه نظام عاقله متضمن عدالت و برابری میان مجرمین و مجنی‌علیهم است، لیکن در زمان حاضر قابل اجرا نیست؛ زیرا اساس آن وجود عاقله است و شک نیست که عاقله - جز در موارد نادری که قانون نمی‌تواند بر اساس آن وجود یابد - در زمان حاضر وجود ندارد. اگر هم عاقله بدان صورت یافت شود، تعداد آن‌ها اندک است که نمی‌توانیم کل دیه را بر آن‌ها تحمیل کنیم بنابر این چاره‌ای نیست جز این که به یکی از دو رأیی که علماء عنوان کرده اند عمل شود. رجوع به جانی و پرداخت دیه از ناحیه او به معنی از بین رفتن خون اکثریت مجنی‌علیهم است، زیرا اکثر قاتلین از پرداخت دیه ناتوان بوده و این مسلماً با اغراض شریعت که حفظ و صیانت خون هاست منطبق نمی‌باشد. رجوع به بیت‌المال نیز موجب تضعیف خزانه است. لیکن عدالت و برابری صیانت دماء را محقق می‌سازد و همچنین سبب می‌شود اهدافی را که شریعت به دنبال آن است بدست آید. وی معتقد است که ترس از تضعیف خزانه دولتی نباید در راه اجرای عدالت و برابری و تحقق اهداف اسلام مانعی به حساب آید. حکومت می‌تواند مالیات ویژه برای این امر اختصاص دهد. ایشان در ادامه از کشورهای چین آلمان، ایتالیا و یوگسلاوی نام می‌برد که صدقی به نام صندوق گرامان ایجاد کرده اند و در آمد حاصل از جزای نقدی را به این صندوق‌ها واریز و آن‌ها

را در مواردی که جانی، توانایی مالی نداشته باشد به مجنی علیه می‌دهند. وی در ادامه می‌افزاید: این شیوه که برخی از دول اروپایی اتخاذ کرده اند در واقع بخشی از نظام عاقله است که این کشورها جهت اهدافی که شریعت در صدد تحقق آنهاست اتخاذ نموده اند. پس هنگامی که نظام عاقله بدین صورت در کشورهای اروپایی ایجاد می‌شود، بسیار نیکوتر است که ما مسلمانان نیز آن را به گونه‌ای که موجب تحقق اغراض شریعت و به کیفیتی که با امکانات ما هماهنگ شده به کار بندیم.» (عود، ۱۳۷۰، ص ۶۷۷)

یکی از حقوقدانان نظام عاقله را همانند نوع خاصی از بیمه دانسته و آن را از مصادیق بیمه‌های متقابل به شمار می‌آورد: «بررسی و تحلیل رسم کهن خون بهاء ما را در درک ماهیت بیمه که در میان قبایل عرب مرسوم بوده کمک می‌کند. هدف از بیمه، ایجاد قاعده‌ای در قبال خطرات است که جمعی از افراد بالاسویه در آن مشارکت دارند و با سهیم شدن در جبران خسارت، سنگینی باری را که بر دوش یک تن است کاهش داده و آن را متوجه تمامی جامعه می‌گرداند. بدین ترتیب بیمه مزبور نوعی جبران دو جانبه یا متقابلی است که از سوی گروهی که روبروی یک خطر مشترک هستند برای برای تأدیه خسارت اتفاقی صورت پذیر می‌شود.» (محقق داماد، ۱۳۷۱، ص ۴۷).

با این حال وی نیز این نوع از بیمه را در زمان حاضر قابل اجرا نمی‌داند و می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که در زمان حاضر با توجه به گستردگی زندگی اجتماعی و پیچیدگی‌های گوناگونی که ره آورد تمدن جدید است و از طرفی به وجود آمدن انواع و اشکال بیمه، اجرای حکم مزبور، نظام و تشکیلات بسیار وسیعی می‌طلبد که دستگاه کشور را با مشکلات اجرایی مواجه نسازد و در این زمینه کارشناسان اجتماعی و صاحب نظران بیمه در تهیه طرح آن باید گام‌های مؤثری بردارند.» (همان، ص ۶۱)

### قابلیت رجوع عاقله به زیان زنده یا مرتکب:

قابلیت رجوع به مرتکب یا فردی که موجب استقرار دیه بر خویشاوندان شده (عاقله) یکی از مباحثی هست که قابل بحث بوده و در مبانی فقهی هم بعضی از فقها مثل شیخ مفید (شیخ مفید، ۱۳۲۴ ه.ق، ص ۵۵) به قابلیت رجوع به قاتل یا به اصطلاح زیان زنده نظر داده اند، در حقوق کنونی ایران هم به لحاظ مطابقت نداشتن نهاد عاقله با وضعیت فعلی جوامع می‌توان به رجوع عاقله به زیان زنده معتقد بود که در قوانین متعدد به مشابهت‌هایی بر می‌خوریم که امیدواریم قانونگذار در قوانین آینده به رجوع به زیان زنده باور داشته و تدابیری را اتخاذ نماید. در ذیل به دو مورد از موارد مشابه می‌پردازیم:

#### الف - بیمه شخص ثالث:

طبق نظر بسیاری از حقوقدانان، ضمان عاقله با عقد بیمه شباهت‌های زیادی دارد که در بیمه شخصیت حقوقی وجود دارد و با تغییرات در نحوه عاقله می‌توان به سمت بیمه اجتماعی یا بیمه‌های اجباری نظر داد که در قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ که قانون به روز شده و

جدید هست، در ماده ۱۶ مشعر می‌دارد: «چنانچه به حکم مرجع قضائی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاههای اجرایی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، بیمه گر و صندوق، پس از پرداخت خسارت زیان دیده می‌توانند برای بازیافت به نسبت درجه تقصیر به مسببان ذی ربط مراجعه کنند...»

و در ماده ۲۱ همان قانون هم، در مواردی که خسارت بدنی به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انتقضای بیمه نامه بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا علل دیگر، خسارات وارده پرداخت نشده باشد توسط «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جبران می‌شود و طبق ماده ۲۵ صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان دیده یا مسبب زیان، خسارت زیان دیده را پرداخت نموده و به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قضایی و قانونی بازیافت کند.

بر اساس قانون بیمه شخص ثالث که یکی از آخرین اراده‌های قانونگذار در خصوص جبران خسارات و پرداخت دیه توسط اشخاص دیگر هست به راحتی می‌توان در قوانین آینده به ضمان عاقله و قابلیت رجوع به زیان زننده و حمایت از زیان دیده رسید. به طوری که مسئولیت جمعی افراد در قبال جرائم خطای محض به آسانی منجر به جبران خسارات خواهد شد و زیان دیده به راحتی به حقوق خود دست می‌یابد و عاقله نیز قادر خواهد بود که طبق شرایط تحمیل شده به فرد خاطی رجوع نماید.

#### ب- عقد ضمان:

یکی از مواردی دیگر که جبران کننده بدهی اشخاص غیر هست، عقد ضمان بوده که طبق ماده ۶۸۴ تا ۷۲۳ قانون مدنی به بحث پرداخته است. شاید ایراد شود که عقد ضمان به عنوان یک قرارداد هست ولی ضمان عاقله به عنوان اراده یک جانبه قانونگذار و اجباری، در حالیکه وجه مشترک عقد ضمان با ضمان عاقله آن است که در هر دو زیان زننده و بدهکار هیچ نقشی در برداشتن مسئولیت مدنی از ذمه خود ندارند و در عقد ضمان، مضمون له و ضامن می‌توانند قرارداد ضمانت منعقد کنند بدون آنکه نیازی به ایجاب و قبول مضمون عنه (بدهکار) باشد و بازیگران اصلی عقد ضمان، مضمون له و ضامن هستند و در ضمان عاقله نیز، قانونگذار تحت شرایطی عاقله را مسئول پرداخت دیه دانسته و رضایت یا عدم رضایت مرتکب یا جانی شرط نیست.

با عنایت به ماده ۷۰۹ قانون مدنی که عنوان نموده: «ضامن حق رجوع به مضمون عنه را ندارد مگر بعد از ادای دین...» که فرد ضامن بعد از آنکه بدهی مضمون عنه را به مضمون له تأدیه نمود در آن حالت حق رجوع دارد که یکی از موارد مشابه که بدهی یا دین را ابتداء فرد دیگری پرداخت و بعد از آن رجوع به فرد مدیون دارد، عقد مذکور بوده و اصولاً در صورت استتکاف مضمون عنه از پرداخت و بازیافت دین، ضامن به مراجع قضائی مراجعه و با اقامه دعوا به احقاق حق می‌پردازند. در پرونده‌های بانکی که وام گیرنده اقساط خود را تأدیه نکرده باشد، ضامن، پرداخت نموده و به ناچار اقامه دعوا کرده و رجوع به مدیون اصلی یا مضمون عنه می‌نماید.



در خصوص ضمان عاقله هم می‌توان به این نگرش قائل شد و امیدواریم که قانونگذار به مقتضیات زمانی و مکانی توجه نموده و «زمان عاقله» را به درستی با «ضمان عاقله» به روز رسانی نماید. در نهایت به نظر می‌رسد که نهاد «ضمان عاقله» نهادی است فقهی و شرعی و از سوی دیگر این سوال مطرح است که آیا اجرای چنین حکمی با استقبال جامعه مواجه خواهد شد؟ آیا با رسم و عرف معمول که امروزه در جامعه وجود دارد می‌تواند مقبول عموم واقع شود؟ این سوالی هست که پاسخ آن به آسانی «آری» نخواهد بود و لازم هست که قالب «زمانی» آن هم به درستی در نظر گرفته شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

۱. شاید یک راه آن است که دولت در قالب «بیمه» چنین مسئولیتی را به عهده بگیرد: به مرور زمان و مبالغی بسیار اندک از راههایی که می‌توان آن‌ها را تعریف و تدوین و احصاء کرد گردآوری و در صندوقی ذخیره و البته در راههای مناسب سرمایه گذاری شود تا ارزش افزوده‌ای هم داشته باشد.

عملاً شخصیت حقوقی این صندوق، جایگزین عاقله‌ی همه ایرانیانی خواهد بود که ممکن است روزی دچار چنین مشکلی شوند. بخشی از درآمد و سود سرشار این صندوق می‌تواند جایگزین رسم «گلریزان» شود که برای نجات برخی از زندانیان مرسوم شده است. در این صورت زندانی آزاد شده خود را مدیون فرد یا افراد خاصی نمی‌داند بلکه خود را مدیون دولت می‌داند که در واقع نماینده‌ی همه هموطنان او از هر دین و مذهبی، است. این کار البته باید صورت قانون مدون به خود بگیرد. بنیاد این قانون بر یک قرارداد اجتماعی استوار است که مردم به نمایندگان قانونگذار خود وکالت داده اند که حقی را که هر یک از ایرانیان بر خویشاوندان خود در قالب ضمان عاقله دارند ساقط کرده و مسئولیت جنایات خود را نخست خود عهده دار شوند. از سوی دیگر دولت در قالب نهاد «بیمه عاقله» ضامن مردم خود می‌شود که بهای جنایت خطای آنان را بپردازند همان گونه که در مواردی مردم تاوان تصمیمات خطاهای اقتصادی یا فرهنگی دولت را می‌پردازند. راه دیگر آن است که دولت از محل خاص بی‌آن که از کمک‌های مردم استفاده کند ضامن و عاقله مردم خود باشد و جنایات و خطای محض آنان را تدارک کند.

۲. نمونه‌ی چنین صندوقی در کشورهای اروپایی نظیر آلمان، ایتالیا و یوگسلاوی سابق وجود دارد که به نام صندوق غرامات نامیده می‌شود، بودجه این صندوق از محل جرایمی است که از مجرمین گرفته می‌شود و در مواقعی که جانیان توان مالی جهت جبران خسارات زیان دیده را ندارند از محل صندوق پرداخت می‌شود؛ این شیوه بخشی از همان نهاد عاقله در اسلام است و در مواقعی که میزان دیه بسیار سنگین است کاربرد بیشتری دارد البته ناگفته پیداست که صندوق تأمین خسارات بدنی که با تصویب و اصلاح قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری تأسیس شد قدم مهمی در جایگزینی نهاد عاقله سنتی بود و نوید این را می‌دهد که امکان اجرایی شدن ضمان عاقله در دنیای مدرن امروزی نیز وجود دارد، راهکارهایی که برای تأمین بودجه لازم

- برای این صندوق می‌توان بر شمرد به شرح ذیل می‌باشد:
- (الف) اختصاص بخشی از مالیات و درآمدهای دولت.
- (ب) اختصاص بخشی از جزای نقدی وصولی توسط اجرای احکام دادگستری بابت جرایم مختلف.
- (ج) اختصاص بخشی از وجوه حاصل از جرایم رانندگی.
- (د) سرمایه گذاری بانک و شرکت‌های بیمه.

### فهرست منابع

۱. بن ادریس حلی، محمدبن منصور بن احمد: السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، ط
۲. لخصاص، ابی بکر احمدبن علی الرازی: احکام القرآن، سه جلد، ط ۱، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ه ق.
۳. حمد ادریس، عوض: الدیة بین العقوبه و التعویض، مترجم علیرضا فیض، در یک جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
۴. بحرانی، محمد سند: فقه المصارف و النقود، در یک جلد ط ۱، مکتبه فدک، قم، ۱۴۲۸ ه ق.
۵. بابایی، ایرج: حقوق بیمه، در یک جلد، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۸۶.
۶. حرّ عاملی، محمدبن حسن: وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، ط ۱، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ه ق.
۷. راغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد: مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، در یک جلد، ط ۲، المکتبه المرآتیه، بی ج، ۱۳۶۲.
۸. زراعت، عباس: شرح قانون مجازات اسلامی، جلد ۲، ققنوس، تهران، ۱۳۷۷.
۹. شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی: الروضه البهیة فی شرح للمعه دمشقیه (المحشی کلانتر) ۱۰ جلد، ط ۱، کتابفروشی داوری، قم، ۱۴۱۰ ه ق.
۱۰. شیخ مفید، المقنعه، چاپ سوم، انتشارات جامعه مدرسین قم، قم، ۱۴۱۰ ه ق.
۱۱. یحیی، فخرالدین: مجمع البحرین، ۶ جلد، ط ۳، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ ه ق.
۱۲. وده، عبدالقادر: التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، ۲ جلد، دارالکتب العربی، بیروت (بی تا).
۱۳. قاسم‌زاده، مرتضوی: حقوق مدنی الزام‌ها و مسئولیت مدنی قراردادها، در یک جلد، چاپ نهم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.
۱۴. گرجی، ابوالقاسم: مقالات حقوقی، ۲ جلد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹.
۱۵. حدث نوری، میرزاحسین: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، ط ۱، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت لبنان ۱۴۰۸ ه ق.
۱۶. محقق حلی، جعفر بن حسن: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد " ط ۲، مؤسسه اسماعیلیان، قم ۱۴۰۸ ه ق.
۱۷. موسوی بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ: القواعد الفقهیة، ۷ جلد، ط ۱، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۹ ه ق.
۱۸. موسوی خویی، ابوالقاسم: مبانی تکمله المنهاج، ۲ جلد، ط ۱، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم، ۱۴۲۲ ه ق.
۱۹. مرعشی شوشتری، محمد حسن: دیدگاههای نور در حقوق، ۲ جلد، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۴۲۷ ه ق.
۲۰. موسوی بجنوردی، حمد، مجموعه مقالات فقهی، فلسفی و اجتماعی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران، ۱۳۸۳.